

بررسی راهکارهای حذف یک تفاوت نسلی

نسل قدیم تعمیرگر، نسل جدید تعویض‌گر!



■ بهنام صدقی

در چند دهه گذشته شغلی وجود داشت به نام چینی‌بندن. کسانی که به صورت دوره‌گرد بودند و در محل‌های خاصی به مدت معینی اتراق می‌کردند و ظروف شکسته چینی را به هم‌بند و تکه‌های شکسته شده کاسه و بشقاب خانه‌ها را به هم پیوند می‌زدند. پس از اینکه ظروف چینی خانه شکسته می‌شد زنان خانه در طول سال تکه‌های شکسته چینی را تا آمدن چینی‌بندن نگه می‌داشتند. چینی‌بندن هر از چند گاهی می‌آمد و پس از ترمیم هر یک از ظروف به ازای دسترنج آن مقداری گردو، بادام، گندم یا پول دریافت می‌کرد و از این لحظه به بعد چنانچه ظرف چینی خانواده‌ای

می‌شکست باید تا دفعه بعد تکه‌های شکسته را برای ترمیم نگه می‌داشتند و از استفاده آن محروم بودند. نسل‌های قبل به خوبی این خاطره‌ها را به یاد دارند. این روزها دیگر این شغل در جامعه ما دیده نمی‌شود.

نسل‌های قبل یا به قول خودمان قدیمی‌ها چقدر از وسایل در اختیارشان استفاده می‌کردند و به محض آسیب دیدن سر یا آن را تعمیر می‌کردند به طوری که دوباره قابل استفاده شود و مجبور نشوند سراغ وسیله دیگری برای خرید و پرداخت هزینه بروند. اما ما نسل جدید چطور؟ ما آدم‌هایی که نامان را امروزی گذاشته‌ایم و مدام دم از تحصیلات و اندیشه‌هایمان می‌زنیم تا

قرن ۲۱ قرون انسان‌های تنها شده است. برج‌ها و آسمانخراش‌ها روز به روز سر به فلک می‌کشند و شهرها گسترده‌تر می‌شوند اما چه بلایی بر سر ما آدم‌های آید؟ متولیان امر هر چه سریع‌تر باید تمهیداتی به کار گیرند و روابط انسان‌ها را حفظ کنند. همچون راننده‌ای که با خودش مشکل دارد و با زیر پا گذاشتن قانون و با کوچک‌ترین قانون‌شکنی بزرگ‌ترین صدمه جانی و آموزشی را برای خود و افراد پیرامونش رقم خواهد زد؛ ما نیز در تمامی مسائل شخصی و خانوادگی‌مان مشکل داریم و در این مواقع تمام مجموعه‌های سنانای ما باید دست به کار شوند و با استفاده از راه‌های غیرمستقیم همچون تصویر، بیلبور، نوشته و حتی فیلم‌های انیمیشنی و کارتونی ذهن‌ها را به حرکت وادارند و از طریق شناخت ذهن و زبان مردم با آنها صحبت کنند.



به نظر من ما باید عصر حاضر و نسل جدید را به شیوه خودش ببینیم و بعد از آن با نسل قدیم مقایسه کنیم. مثلاً نمی‌توان سال‌های ۱۹۶۰ را با ۱۹۷۰ مقایسه کرد. تاکنون اتفاقات بیشماری در جهان افتاده و این تنها مختص کشور ما نیست، ما باید در رابطه با عنصر زمان فکر و سپس صحبت کنیم. هر فلیپوس فیلسوف یونانی می‌گوید: ما در رودخانه می‌توانیم دو بار شنا کنیم چرا که زمان عبور کرده است و من و هر چیز دیگری تغییر کرده‌ایم. تصور کنید ۱۰ سال در حوزه زندگی تان نیاشاید و پس از بازگشت به آن محیط قاعدتاً همه چیز تغییر کرده است. دوران کودکی، بزرگی و فراخی کوچه و خانه‌تان را به یاد آورید و آن را با امروز مقایسه کنید. به چه نتیجه‌ای می‌رسید؟ نگاه ما، ساختار فکری و حسی ما به آن عوض شده است چون ما جهان را با حواسمان می‌بینیم.

در گذشته خانه‌ها فراخ‌تر و وسیع‌تر بود پس فاصله‌ای فیزیکی بین آدم‌های خانه، همسایگان و مردمان دیگر وجود داشت ولی امروزه فاصله‌های خیلی نزدیک‌تر است اما متأسفانه دل‌های آدم‌های خانه با یکدیگر و دیگران فاصله دارد. اکثر مادرهایی که به دفتر من مراجعه می‌کنند می‌گویند چقدر ما تمایلی به بازی و نشست و برخاست با همسرن و سالان خود ندارند و تنها با ابزار آلات موجود در خانه همچون پلی‌استیشن، اینترنت، تبلت و لپ‌تاپ سروکار دارند.

بزرگ‌ترین ویژگی انسان‌ها ارتباط گرفتن با یکدیگر و محیط پیرامون است. انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند ارتباط. ارتباط هم دو نوع کلامی و غیرکلامی است. مثل لمس کردن به منزله تشکر، نگاه کردن که گاه می‌تواند ملتسمانه باشد گاه با تحسین یا با تحقیر. ما باید یک راه در دست‌انتخاب کنیم و به گذشته برگردیم اما همین تکنولوژی و تجهیزات را هم رها نکنیم. با مدرنیته در ارتباط باشیم و آداب و سنن گذشتگانمان را نیز حفظ کنیم.

علت اینکه روابط بین نسل جدید کمرنگ‌تر شده دل‌های آدم‌ها از هم دور‌تر، این است که مدرنیته بخشی از فرهنگ و رسوم ما را مورد حمله و تحت‌الشعاع خود قرار داده است. روزگاری معلم حکم پدر را برای خود ما داشت اما امروزه چه نقشی برای فرزندانمان دارد؟ زمانی ما به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردیم اما امروز زندگی‌های ما به چه شکلی است؟ مدرنیته ساختار زندگی ما را به هم ریخته و ما را مورد هجوم قرار داده است.

به عنوان راهکار حل چنین معضلی در جامعه در ابتدا ما باید بیش استفاده از ابزارهای پیشرفته و مدرن را داشته باشیم. چون این بیشن همچون رعایت کردن قوانین راهنمایی و رانندگی است. بخشی از ساختار فرهنگی ماست و اگر رعایت نشود هیچ چیز سر جای خود قرار نخواهد گرفت و چون از تعمیر ابزار به تعویض آن رسیده‌ایم مطمئناً روزی هم از تعویض وسایل مورد نیاز به جایگزینی افراد و تعویض دل‌ها خواهیم رسید که نمونه بارز آن طلاق در بین نسل جوان و آمار تأسف‌بار آن در جامعه امروز است.

رویارویی انسان با ابزار آلات بی‌جان

■ منیژه جابیچی – مشاور خانواده

هر جامعه‌ای که رو به صنعتی شدن بگذارد در آن جامعه روابط بین انسان‌ها با هم ضعیف می‌شود. از طرفی انسان موجودی است اجتماعی که نیازی جدی به جامعه دارد. به عنوان مثال در کارخانه‌های‌مان تکنولوژی، ابزار و وسایلی پیشرفته و امروزی را جایگزین نیروی انسانی کرده‌ایم. مثلاً در یک کارخانه یک فرد در مقابل چندین ابزار صنعتی قرار می‌گیرد نه در برابر یک انسان و این باعث تنهایی انسان می‌شود و این تنهایی برابر است با نابودی.

در قدیم حتی روابط بین خانواده‌ها بسیار زیاد بود و صلح‌حمی که اسلام و دین پیشنهاد می‌کنند در قدیم کاملاً اجرامی‌شد و تکنولوژی پیشرفت آنچنانی نداشت که افراد با پیامک و تلفن با یکدیگر در ارتباط باشند به همین منظور همان معضل تنهایی که در کارخانه وجود داشت در اینجا هم صدق می‌کند.

به عقیده من پیشرفت روزافزون تکنولوژی باعث شده است ابزار آلات بی‌جان و بی‌احساس و به آنچه انسان داراست و آنها ندارند (ساخته دست بشر نه مخلوق خداوند) در مقابل خود انسان قرار می‌گیرند و من آن را دلیل اصلی این معضل می‌دانم و بهترین راهکاری که قابل پیشنهاد می‌دانم استفاده خوب و مفید از تکنولوژی است چرا که تکنولوژی چیز بدی نیست و اگر درست، به موقع و به جا استفاده شود مشمر ثمر خواهد بود اما متأسفانه عیب از ماست که کار کردن با تکنولوژی را در حد افراط می‌انیم و دستگاہهای ساخت دست بشر را جایگزین انسان کرده‌ایم و بهترین راهکار استفاده درست و در حد نیاز است.

ما باید بدانیم نیازمان از یک تلفن همراه در چه حدی باید باشد و غرق در تکنولوژی نشویم و به روابط انسانی بیشتر اهمیت داده و برای آن وقت بگذاریم.

مهمانی رفتن‌هایمان را بیشتر کنیم، روابط بین اعضای خانواده را صمیمی‌تر کنیم، سر سفره‌های غذا تلویزیون را کاملاً خاموش کنیم، با اعضای خانواده به خاطره گویی



بزرگ‌ترین ویژگی انسان‌ها ارتباط گرفتن با یکدیگر و محیط پیرامون است. انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند ارتباط. ارتباط هم دو نوع کلامی و غیرکلامی است. مثل لمس کردن به منزله تشکر، نگاه کردن که گاه می‌تواند ملتسمانه باشد گاه با تحسین یا با تحقیر. ما باید یک راه در دست انتخاب کنیم و به گذشته برگردیم اما همین تکنولوژی و تجهیزات را هم رها نکنیم. با مدرنیته در ارتباط باشیم و آداب و سنن گذشتگانمان را نیز حفظ کنیم.

به حال شده یک بار دو تا چهار تا کنیم و به این مسئله مهم بیشتر فکر کنیم که چرا اینقدر دست به جایگزینی وسایل مورد استفاده زندگیمان می‌زنیم؟ فرضاً که مقصر وسایل هستند و سر‌یعا کارایی‌شان را از دست می‌دهند، قبول. غافل هستیم که شاید با گذشت زمان فرجام این تعویض‌هایی که در وسایل انجام می‌دهیم به جایگزینی و تعویض آدم‌های دور و برمان مثل همسر یا هر کس دیگری ختم شود! دلایل اینکه چرا نسل قدیم به آن اندازه تعمیرگر بودند و نسل جدید و خانواده‌های امروز جامعه ما تا این حد تعویض‌گرند و راهکارهای رفع این معضل اجتماعی را صاحب‌نظران جویا شدیم.

پیردازیم، به سراغ آلوم‌های قدیمی برویم؛ آلوم‌هایی که نمی‌دانیم در کدام کشو گذاشته‌ایم و کجا خاک می‌خورند. نگاهی به عکس‌های خاطره‌انگیز و دل‌انگیزمان ببینارزیم که روزگاری گویای گذشته شیرین و روابط صمیمی و خوب مایود.

به رسم و رسومات خانوادگی احترام بگذاریم و حتی می‌توانیم نوآور رسوم جدید در خانواده باشیم، توقعات‌مان را از خرید هر گونه وسایل زائد زندگی بایین آورده و بیشتر به فکر یکدیگر باشیم نه دخل و خرجمان. با این روش ماست که می‌توانیم بهداشت یا پیوست، باشیم و از روابط صمیمی و خویمان لذت ببریم و هرگز فراموش نکنیم که این دنیا فانی است و همه کس رفتنی‌اند و فقط خاطره‌هاست که می‌ماند. پس قدر یکدیگر را بدانیم، کانون خانواده را گرم‌تر از دیروز کنیم و هم‌دیگر را ببینیم و بیشتر درک کنیم.

درونی شدن تغییرات در ذهن افراد

■ دکتر علایه شکر بیگی – جامعه‌شناس

این روزها در کشور ما نهاد خانواده و شخصیت افراد به خصوص جوانان دچار یکسری تغییر و تحولات فرهنگی و ارزشی شده و به مرور این تغییرات در ذهن افراد درونی و پس از مدت کوتاهی به یک نگرش تبدیل می‌شود. از دیگر مسائل مهم مربوط به کانون خانواده، ارتباطات نسلی است. اینکه ببینیم نسل‌هایی که در کنار هم قرار گرفته‌اند «پدر، مادر و فرزند» آیا دارای گسست ارتباط هستند یا پیوست، است یا پیوست نسلی یعنی اینکه رابطه بین افراد سرد است یا صمیمی؟ آنها دارای تفاوت دیدگاه هستند یا نه؟ افرادی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند قطعاً دارای تفاوت دیدگاه هستند. در مجموع گونه‌های مختلف ارزشی و فرهنگی در نهاد خانواده حاکم است. افرادی که دچار تغییرات ارزشی در نوع زندگی‌شان شده‌اند افرادی هستند که از سنت‌های گذشته‌شان فاصله گرفته‌اند و به اندیشه‌های نو رسیده‌اند و از آن نیز فاصله دارند. بنابراین دچار تغییرات شده‌اند و همین تغییرات باعث تغییر متداول زندگی‌های‌شان شده است و آنها در بسیاری از مواقع به تعویض انسان‌های اطراف‌شان و حتی به تعویض همسر خود می‌پردازند. به همین دلیل است که آمار طلاق بالا رفته آن هم در سنین جوانی.

به نظر من راهکارهای متعددی در خصوص جلوگیری و رفع این معضل اجتماعی وجود دارد. ما اگر بگوییم تو حق نداری اینطور زندگی کنی، فلان چیز را بخری یا فلان چیز را عوض کنی، فرد بیشتر به سمت زندگی به شیوه مورد نظر خود گرایش پیدا می‌کند و این یعنی فاجعه هم برای خود فرد و هم برای جامعه.

به نظر من ابتدا پدران و مادران باید از اصلاح خود شروع کنند و با فرزندان‌شان از در تعامل وارد شده و با آنها همدل شوند تا در کنار هم از این مرحله و دوره بحرانی‌ها رها گردند و به یک تنبیت دیدگاه برسند. این بهترین راه است تا نسل جدید عادت‌ها و بیماری‌های رفتاری‌اش را ترک کند و این روند به مرور سبب حفظ سنن گذشته و ارزش‌های درونی نهاد خانواده شود.

چند روزی بود که با تلفن همراهم زیاد صحبت می‌کردم و وقتی پدر و مادرم من را در حال مکالمه می‌دیدند مدام غر می‌زدند که «بسه دیگه چقدر با گوشیت حرف می‌زنی، با موبایل صحبت کردن هم حدی داره و...» دیروز هم با برادرم برای خرید لباس به بازار رفته بودیم و بعد از اینکه دو سه دست لباس مد روز گرفتیم و با خودمان آوردیم خانه، پدرم با دیدن دو سه پلاستیک لباس که در دستمان بود از ما خواست تا آنها را بپوشیم تا ببیند و بپسندد. ما هم که از خداخواسته می‌مردیم برای پسز دادن و خیلی خوشحال و ذوق‌زده لباس‌های نو را تن کردیم و آمدم.

پدر همان اول کار، به جای اینکه خوشش بیاید و از سلیقه ما تعریف کند شروع کرد به غرزدن و گیر دادن که «اینا دیگه چیه رفقتی خریدیدی و... من همسن و سال شماها بودم ازدواج کرده بودم و دو تا هم بچه داشتم.» منظور بابا من و برادرم بودیم. بابا همین جوری ادامه داد و پایش را از روی پدال گاز برداشت و مدام می‌گفت که «چرا نسل جدید این جوری شده و زمان ما این سوسول‌بازی‌ها و این همه خرج‌ها و هزینه‌ها سنگین و رنگین نبود و اون زمان به جیون وقتی به سن ۲۰ سالگی می‌رسید براش زن می‌گرفتن و می‌تونست به خونه رو مدیریت و اداره کنه اما امروز خواسته‌های نسل جیون و آرزوهاشون و توقعات شون سر به فلک گذاشته و به خاطر همین چیزهاست که سن ازدواج هم بالا رفته و



نوجوانان و جوانان احساس عدم تعلق و درک نشدن از سوی اعضای خانواده می‌کنند و همین امر باعث بروز مشکلات زیادی می‌شود. بدون شک یکی از نیازهای فرزندان درک شدن از سوی اعضای خانواده است و در غیر این صورت به خارج از خانه و خانواده پناه می‌برند که این معضل هم عواقب خوبی نخواهد داشت



■ آسیب‌های وارد بر جامعه در اثر تفاوت نسل‌ها

همانطور که گفته شد خانواده اهمیت بسیار زیادی در تربیت افراد برای جامعه دارد. افراد در خانواده پرورش یافته و تربیت می‌شوند و خانواده‌ها جوامع را به وجود می‌آورند. تفاوت نسلی موضوع بسیار مهمی است که اگر به آن منطقی رسیدگی نشود باعث بروز برخی آسیب‌های اجتماعی می‌شود. همیشه باید این موضوع مهم را در نظر گرفت که پیشگیری راحت‌تر و منطقی‌تر از درمان است و ما به عنوان اعضای جامعه در حال توسعه قبل از وقوع چنین مشکلات و مسائلی باید این تفاوت بین نسل‌ها را جدی گرفته و برای پیشگیری از مشکلات آن اقدام کنیم. زمانی که نوجوانان مشاهده می‌کنند به آنها اهمیت نده می‌شود و ایده و نظرات آنها در جامعه جایی ندارد پس احساس ناامیدی و سرخوردگی می‌کنند.

نوجوانان و جوانان احساس عدم تعلق‌پذیری و درک نشدن از سبوی اعضای خانواده می‌کنند و همین امر باعث بروز مشکلات زیادی می‌شود. بدون شک یکی از نیازهای فرزندان درک شدن از سوی اعضای خانواده است و در غیر این صورت به خارج از خانه و خانواده پناه می‌برند که این معضل هم عواقب خوبی نخواهد داشت.

همانطور که گفته شد جامعه از افراد تشکیل می‌شود و این اختلاف بین نسلی در نوع روابط اجتماعی و مسائل فرهنگی تأثیرگذار خواهد بود. از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است و به روابط بین انسان‌های دیگر نیاز دارد، بنابراین حالت و جدایی بین اعضای جامعه ایجاد می‌شود.

این امر نیز مانع خلاقیت و نوآوری نسل جوان جامعه می‌شود و نسل جدید که نیاز به راهنمایی و مشورت با افراد باتجربه و صاحب‌نظر دارد از این موهبت محروم می‌شود. به این ترتیب باید عزمی همگانی برای ترمیم اختلاف و فاصله‌های نسلی در جامعه شکل بگیرد.

دیدگاه

محمد مهدوی کارشناس مشاوره:

فاصله‌ها نیاز به ترمیم دارد

■ همه چیز درباره تفاوت نسلی

با گذر زمان و پیشرفت جوامع اختلاف عقیده، باورها و افکاری بین نسل جدید و نسل گذشته به وجود می‌آید که عدم‌رسیدگی به این امر تفاوت آسیب‌زایی بین نسل‌ها به وجود می‌آورد. برای کاهش آسیب‌های این موضوع، بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها که جامعه را تشکیل می‌دهند و آموزش و پرورش غیررسمی محسوب می‌شود و تأثیر معناداری بر جامعه دارد. والدینی که دارای فرزند جوان هستند باید خصوصیات و ویژگی‌های سن بلوغ فرزندان خود را بدانند و نحوه برخورد با آنها را فراگیرند و در برخورد با آنها اجازه ندهند شخص سوم که گذشته خودشان است حضور داشته باشد تا کانون گرم خانواده حفظ و از تفاوت نسل‌ها جلوگیری شود. والدین باید انعطاف‌پذیر و به روز باشند و رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود را حفظ کنند تا تفاوت نسلی را کمرنگ جلوه کنند. اعتماد کردن افراد باتجربه جامعه به نوجوانان و جوانان (نسل جدید) بسیار اهمیت دارد و از آسیب‌ها جلوگیری می‌کند.

اگر با آگاهی کافی با موضوع تفاوت نسل‌ها برخورد شود باعث زمینه‌سازی نوجوانان و در نهایت پیشرفت آنان شده ولی هر چه خشک و نامعقول با این موضوع برخورد کنیم باعث به وجود آمدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر برای نسل جدید می‌شود. این موضوع در عین حال یک فرصت است چون نسل جدید به دنبال استقلال بوده و نیاز به اعتماد دارد. می‌توان با کنترل متعادل و آموزش‌های لازم به جوانان هم باعث پیشرفت آنها شد و هم جامعه را از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأمین کرد. واقعیت این است که دلیل تفاوت نسل‌ها پیشرفت جوامع و گذر زمان است. هر چه جوامع از سنتی به صنعتی پیش روند تفاوت بین نسل گذشته و جدید به وجود می‌آید که بیشتر در خانواده‌ها نمایان است و بین والدین و فرزندان وجود دارد و بعد از آن در جامعه بروز می‌کند.

خانواده‌های کوچک در خانه‌های کوچک حبس شده‌اند و این نوع زندگی پیامد صنعتی شدن جوامع و در نتیجه دور افتادن از سنت‌های بر جای مانده از نسل‌های پیشین است که متأسفانه این آداب و رسوم همچنان در حال کمرنگ شدن است.